



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

عنوان :

نقش خاندان تیموری در احیای فرهنگی ایران

استاد راهنما :

دکتر عبدالحسین میلانی

استاد مشاور :

دکتر هوشنگ جباری

دانشجو :

حیدر استوی

خرداد 1388

سپاس نامه

سپاس مخصوص خداوندی است که توانایی خواندن و نوشتن را به من عطا فرمود .

به نام نقش بند صفحه ی خاک

عذار افروز مه رویان افلاک

خداوندی که در ذاتش علل نیست

جهان داری که در ملکش خلل نیست

نه در ایوان قربش وهم را یار

نه با چون و چرایش عقل را کار

اکنون که به یاری خداوند مٔان این پایان نامه به اتمام رسید ، بر خود لازم دیدم که از تمام کسانی که در دوره ی دانشجویی خصوصاً دوره ی کارشناسی ارشد به من علم آموختند مراتب تقدیر را به عمل آورم . از اساتید محترم دوره ی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران ، دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی ، استاد ارجمند آقای دکتر میلانی راهنمای تلاشگر و سختکوش ، استاد مشاور جناب آقای دکتر جباری و سایر اساتید این دانشکده که در محضر آنها علم آموختم جناب آقای دکتر علم ، جناب آقای دکتر خدایی ، جناب آقای دکتر جان نژاد ، جناب آقای دکتر سیاحی و کارکنان دانشکده ی ادبیات به ویژه کارکنان کتابخانه و بخش نشریات آقایان امیری ، طاهری ، خانمها اصولی ، موسوی ، ساعت ساز ، کبیری ، گشاس ، رجبعلی پور و سایر افرادی که مرا در به اتمام رساندن این پایان نامه یاری کردند نهایت تشکر و قدردانی را دارم و در پایان از زحمات پدر و مادر مهربانم که بدون شک دعای خیر آنان باعث موفقیت من در زندگی و امر تعلیم و تربیت شده است تقدیر و تشکر کنم و بر دستان آنها بوسه می زنم و در خاتمه این پایان نامه را به همسر فداکارم تقدیم می کنم .

نام خانوادگی : استوی	نام : حیدر
عنوان پایان نامه : نقش خاندان تیموری در احیای فرهنگی ایران	
استاد راهنما : دکتر عبدالحسین میلانی	استاد مشاور : دکتر هوشنگ جباری
درجه تحصیلی : کارشناسی ارشد	رشته : تاریخ (ایران دوره اسلامی)
محل تحصیل : دانشگاه شهید چمران اهواز	
دانشکده : ادبیات و علوم انسانی	
تاریخ فارغ التحصیلی :	تعداد صفحه : 209
کلید واژه : 1- فرهنگ 2- هنرمندان و احیای فرهنگی 3- تیمور 4- سمرقند 5- هرات 6- سلطان حسین بایقرا	
<p style="text-align: center;">چکیده</p> <p>سلسله تیموری یکی از حکومت‌های معروفی بود که در قرن هشتم هجری قمری در شمال شرقی ایران که در آن زمان جزء پیکره‌ی این مملکت به حساب می‌آمد، تأسیس شد. بنیانگذار این سلسله؛ «تیمور گورکانی» بود. تیمور بخاطر طبع خشنی که داشت، هر منطقه‌ای را که فتح می‌کرد، علماً، صنعتگران و ارباب حِرَف را به سمرقند می‌فرستاد و بقیه را از دم تیغ می‌گذراند. یعنی؛ علیرغم طبع خشنی که داشت، با دانشمندان، صنعتگران و ... با احترام رفتار می‌کرد که دلیل این اقدام، علاقه‌ی وی به علم و دانش بود و دیگر اینکه می‌خواست بر زیبایی و رونق شهر سمرقند بیفزاید. جانشینان تیمور کمتر به کشتار و خونریزی پرداختند و با فراهم آوردن محیطی امن بر تشویق ارباب حِرَف دست زدند و تحولی را ایجاد نمودند که مورخان آن را «رنسانس هنری» نام نهادند. با مرگ تیمور و روی کار آمدن شاهرخ، پایتخت تیموریان به هرات منتقل شد. وی به تشویق علما، شعرا، صنعتگران و ... پرداخت و شهر هرات را به صورت یکی از مراکز مهم علمی، ادبی و هنری جهان در آورد.</p> <p>پس از شاهرخ، فرزندان وی مانند: الغ بیگ، بایسنقر و ... نیز به حمایت از شعرا، عرفا و هنرمندان پرداختند. با این حال اوج این حرکت فرهنگی در عصر «سلطان حسین بایقرا» بود که بدلیل علاقه‌ای که به فرهنگ و تمدن ایرانی داشته و خصوصاً بواسطه‌ی تشویق وزیر دانشمند، هنرمند و هنر پرورش امیر علیشیر نوایی، توانست گام‌های مؤثری در جهت احیای فرهنگی ایران بردارد، بطوریکه باعث حیرت و شگفتی همگان شد. تلاش خاندان تیموری در احیای فرهنگی ایران باعث شد که کشتارها و قتل عام‌های تیمور اگر نگوئیم به فراموشی سپرده شود حداقل کم رنگتر شود و نقش این خاندان در پیشبرد و توسعه‌ی مسائل فرهنگی همواره بسان چراغی، تاریخ ایران در این دوره را روشن نماید.</p>	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۴.....	نقد و بررسی منابع و مأخذ
فصل اول : پی آمدهای حملات مغولان بر اوضاع فرهنگی ایران	
۲۰.....	۱-۱ اوضاع فرهنگی در عصر چنگیز و جانشینانش
۲۷.....	۱-۲ اوضاع فرهنگی در عصر ایلخانان
فصل دوم : وضعیت فرهنگی ایران در دوره فترت تا بر آمدن تیمور	
۴۴.....	۲-۱ سلسله های محلی
۶۷.....	۲-۲ وضعیت فرهنگی اولوس جغتای
فصل سوم : فرهنگ در عصر تیمور و جانشینانش	
۷۹.....	۳-۱ تیمور ...
۸۲.....	۳-۲ تیمور و توجه به عرفا و دانشمندان
۸۵.....	۳-۳ تیمور و توجه به هنر
۹۲.....	۳-۴ نویسندگان و شعرا در عصر تیمور
۹۷.....	۳-۵ شاهرخ ...
۹۸.....	۳-۶ شعر و ادبیات
۹۸.....	۳-۷ هنر
۱۰۰.....	۳-۸ معماری
۱۰۲.....	۳-۹ تاریخ و جغرافیا

- ۱۰۸..... ۳-۱۰ الغ بیگ ...
- ۱۱۰..... ۳-۱۱ علوم و دانشمندان
- ۱۱۵..... ۳-۱۲ معماری.....
- ۱۱۶..... ۳-۱۳ شعر.....
- ۱۱۶..... ۳-۱۴ بایسنقر
- ۱۱۸..... ۳-۱۵ خط
- ۱۲۱..... ۳-۱۶ نقاشی
- ۱۲۱..... ۳-۱۷ کتاب نگاری
- ۱۲۲..... ۳-۱۸ شعر.....
- ۱۲۵..... ۳-۱۹ ابوسعید ...

فصل چهارم : سلطان حسین بایقرا و مکتب هرات

- ۱۳۴..... ۴-۱ علوم و دانشمندان
- ۱۴۱..... ۴-۲ شعر و نویسندگی
- ۱۴۴..... ۴-۳ هنر
- ۱۵۰..... ۴-۴ امیر علیشیر نوایی و نقش علمی ، فرهنگی . هنری وی
- ۱۵۸..... ۴-۵ مکتب هرات و اثرات آن ...
- ۱۵۹..... ۴-۶ مکتب هرات از نظر هنری
- ۱۶۱..... ۴-۷ تاثیر مکتب هرات بر مکاتب دیگر
- ۱۶۱..... ۴-۸ هنر در دوره آق قویونلوها و قراقویونلوها
- ۱۶۲..... ۴-۹ مکتب تبریز (صفوی)

۱۰-۴ مکتب بخارا ۱۶۵

نتیجه گیری ۱۶۹

فهرست منابع و مآخذ ۱۷۳

فهرست اعلام - کسان و خاندانها - مکانهای جغرافیایی - فرقه ها و مذاهب ۱۸۵

مقدمه

واژه‌ی «فرهنگ» تعاریف متعددی دارد. در یک تقسیم‌بندی می‌توان آن را به فرهنگ مادی و معنوی تقسیم کرد. فرهنگ مادی، شامل اشیاء قابل لمس است مثل مسکن و آن جنبه‌ای از فرهنگ را که مادی نیست، فرهنگ معنوی می‌گویند. مانند: هنر، زبان، ادبیات، فلسفه و... آنچه که در اینجا مورد بحث و پژوهش قرار می‌گیرد: «تحوّلی است که با استفاده از علم و هنر در زندگی پیش آید.»

حملات چنگیز در سال 616 هجری قمری تأثیر گوناگونی بر اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران بر جای گذاشت. ویرانی اماکن دینی و علمی و قتل و کشتار هزاران انسان از پیامدهای آن بوده و در زمینه‌های علمی و فرهنگی وقفه‌ای به وجود آمد. اما با این حال بسیاری از شاعران و نویسندگان که علاقه‌ی فراوانی به تألیف داشتند، بدنبال مأوی‌ی بودند که حرکت علمی و ادبی این سرزمین را از رکود و ایستایی نجات دهند. بنابراین در مکانی امن و در کمال آرامش به تألیف کتب خود پرداختند، در عین اینکه شاعرانی مانند عطار نیشابوری که علاوه بر شاعری، پزشکی نیز بوده در این حمله کشته شدند. ولی در دوره‌ی ایلخانان، فرهنگ غنی ایرانی به‌همّت دانشمندان و وزیرانی چون خواجه نصیرالدین طوسی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و خاندان جوینی به سیر خود ادامه داد و مراکز علمی و فرهنگی ایجاد شد و حتی به علمی مانند نجوم توجه خاصی شد که این امر بیشتر مدیون نوابغی مانند خواجه نصیرالدین طوسی بود که به دستور هلاکو، رصدخانه‌ی مراغه را ساخت و ابزار و آلات نجومی را در آن گرد آورد.

در دوره‌ی حکومت‌های محلی، این حرکت علمی کمتر ادامه داشت و یا به‌کندی صورت می‌گرفت زیرا در این دوره، قدرت مرکزی وجود نداشت و هر سلسله و یا حکومت محلی با حکومت‌های دیگر در تشویق علما، شعرا و یا دانشمندان تفاوت داشتند.

با به قدرت رسیدن تیمور علی‌رغم ویرانی و کشتارهایی که صورت گرفت در بسیاری از نقاط ایران، مجدداً شاهد نوعی «رنسانس» در عرصه‌ی علمی، ادبی، هنری و... می‌باشیم. این عصر یکی از اعصار درخشان در زمینه‌ی هنر، علم، ادب و... محسوب می‌شود. تیمور خود از الوس جغتای برخاسته بود و ادعا داشت که از نسل چنگیز است و با ترتیب دادن یک نسب‌نامه، خود را به چنگیز خان مغول مرتبط دانست. به‌طوریکه هم از طرف پدر و هم از طرف مادر، نسب خود را به چنگیز می‌رساند و آن را افتخاری برای خود می‌دانست و چون فردی ماجراجو بود از کوچکترین فرصتی برای پیشرفت و ترقی خود استفاده می‌کرد.

در همان دورانی که در میانه ی عمر بود از تحولات سیاسی و درگیریهای اولوس جغتای برای رسیدن به حکومت بهره برد و با اظهار وابستگی و ریشه ی نژادی به این الوس توانست در سال 782 هجری قمری حکومت تیموریان را در ایران تأسیس کند .

تحولات عصر تیمور بیشتر به امور سیاسی بر می گردد یعنی ؛ وی در تمام اوقات به دنبال لشکر کشیها و حملات و قتل و عامها بود و به سایر امور توجهی نداشت و اگر به جنبه های دیگر می پرداخت ، در حد بسیار جزئی بود ، بطوریکه از دید مورخان نیز پنهان مانده و یا اگر در کتابها به آن اشاره شده ، در سطح پایینی می باشد بطوریکه به خیلی از مسائل علمی و ادبی اشاره ای نشده است.

شهرهای سمرقند و هرات به عنوان دو کانون مهم در تحولات فرهنگی ایران عصر تیموری نقش مهمی ایفا کردند که این امر مرهون تلاشهای تیمور و جانشینانش در راه اعتلای فرهنگ و ادب فارسی بود ، بخصوص شهر هرات که در این دوره پیشرفت قابل توجهی کرد بطوریکه با بزرگترین شهرهای دنیا از نظر فرهنگی ، معماری ، هنری و ... برابری می کرد و می توان گفت که این شهر کانون مهم تحولات فرهنگی در این دوره بوده است که در این پژوهش به این تحولات می پردازیم .
مسئله اصلی این است که با انتقال هنرمندان ، صنعتگران و ... توسط تیمور به سمرقند و مصون ماندن آنها از قتل ، می بایستی انتظار داشت که نوعی شکوفایی در قلمرو تیموریان به وجود آید و این تحول فرهنگی بسیار گسترده باشد. بنابراین رسیدن به نتیجه مطلوب سؤالات زیر را مطرح کرده تا اینکه به نتیجه نهایی برسیم :

- 1- سهم خاندان تیموری در این احیای فرهنگی چه میزان بوده است ؟
- 2- علایق فرهنگی خاندان تیموری علت چنین دگرگونی ای بوده است یا معلول آن ؟
- 3- انتقال هنرمندان به سمرقند و هرات در نوزایی فرهنگی عصر تیموری و پس از آن چه تأثیری داشته است ؟

بر این اساس فرضیات ما شامل موارد زیر است :

- 1- تیمور و جانشینانش هر کدام ، بجز ابوسعید تیموری ، در احیای فرهنگی نقش عمده ای داشته اند . و با تشویق و هنر پروری آنها ، علم ، ادب و هنر گسترش چشمگیری یافت .
- 2- علایق خاندان تیموری به پرورش و تربیت دانشمندان ، عالمان ، ادیبان و هنرمندان عامل مؤثری در احیای فرهنگی بوده است .
- 3- انتقال هنرمندان به سمرقند در زمان تیمور باعث باشد که بناهایی در شهر سمرقند ساخته شود و دانشمندان به تربیت و پرورش شاگردان بسیاری پردازند و بعد از تیمور که پایتخت به هرات منتقل

شد نیز شاهرخ، الغ بیگ و دیگران با انتقال هنرمندان، شاعران و ... نوعی رنسانس فرهنگی را بوجود آوردند.

بر این اساس هدف از این پژوهش، بررسی نقش خاندان تیموری در احیای فرهنگی ایران و اینکه چگونه این خاندان توانستند چنین تحوّل عظیمی در این زمینه بوجود آورند که باعث تعجب و شگفتی همگان شود. و اثرات مکتب هنری هرات بر سایر مکاتب هنری تا چه اندازه بود و علایق خاندان تیموری در این احیای فرهنگی تا چه اندازه نقش داشته و تاکنون تحقیقی با این عنوان صورت نگرفته است با این حال در منابع و مآخذ بصورت پراکنده مطالبی آورده وجود دارد. به عنوان مثال در منابعی مانند: ظفرنامه شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه شامی و در آثاری چون «تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ی تیموریان و ترکمانان» حسین میرجعفری و ... مطالبی در این مورد وجود دارد.

این تحقیق، تحقیقی است نظری مبتنی بر روش کتابخانه ای و تا حدودی میدانی می باشد که با استفاده از منابع کهن و تحقیقات معاصرین صورت گرفته است و شامل چهار فصل است که از حملات مغول تا اثرات مکتب هرات یعنی؛ تا پایان تیموریان و انتقال میراث هنری مکتب هرات به دوره ی صفویه و یا مکتب بخارا و هند ادامه می یابد:

در فصل اوّل به پی آمدهای حملات مغول بر اوضاع فرهنگی ایران و پس از آن به ایلخانان و تحوّل فرهنگی که در این دوره وجود داشته، پرداخته می شود.

در فصل دوّم اولوس جغتای و سلسله های محلی دوران فترت بین سقوط ایلخانان تا ظهور تیمور مانند: ایلکانیان یا آل جلایر، آل کرت، سرداران خراسان، قراختاییان کرمان و ... مورد بررسی قرار می گیرد.

در فصل سوّم اوضاع فرهنگی ایران در عصر تیمور و جانشینانش مانند: شاهرخ، الغ بیگ و بایسنقر و ... مورد پژوهش قرار می گیرد.

در فصل چهارم به سلطان حسین بایقرا و نقش وزیر هنر دوشت وی یعنی؛ امیر علیشیرنویسی و پس از آن به مکتب هرات و اثرات آن پرداخته می شود.

در پایان باید اذعان کرد که با توجه به اهمّیت موضوع و جدید بودن آن، این پژوهش خالی از کاستی و اشکال نیست و امید است که با یاری خداوند مّنان و راهنمایی اساتید ارجمند در راه رفع اشکالات آن اقدامات لازم را بعمل آوریم.

نقد و بررسی منابع و مآخذ

برای انجام یک پژوهش تاریخی همواره از منابع متعددی استفاده می شود که این منابع ممکن است قدیم و یا جدید بوده باشند به عبارتی یا جزء منابع کهن و یا جزء تحقیقات معاصرین به شمار می آیند. در عین اینکه ممکن است شباهتها و یا تفاوتهایی چه به صورت جزئی و چه کلی با یکدیگر داشته باشند. دوره ای که مورد پژوهش ما قرار گرفته است مانند دیگر دوره ها دارای منابع دسته اول یا کهن و منابع دسته دوم یا جدید و یا تحقیقات معاصرین می باشد که توجه و تأکید بر آنها راهگشای حل بسیاری از ابهامات در درک و فهم مسائل عصر تیموری می باشد.

حملات چنگیز و بهانه ی وی برای حمله به ایران و جهان اسلام و اثراتی که بر کشور ما گذاشت، تحولاتی را به وجود آورد که این تحولات باعث رکود فرهنگی و از بین رفتن بسیاری از اماکن علمی، دینی، فرهنگی و ... شد. درست است که در دوره ی مغولان متأخر یعنی؛ ایلخانان (خانهای تابع) نوعی تحوّل علمی، ادبی و تاریخی در ایران رخ داد و تألیف آثارى مانند جامع التواریخ، تاریخ جهانگشای و ... را در بر داشت با این حال ویرانی مراکز علمی و فرهنگی و قتل و کشتار به فراموشی سپرده نمی شد و شدت فاجعه ی حمله ی مغول بخدی بود که عده ای به انزوا گرویدند و بعضی از علما، دانشمندان و ادیبان مانند: شمس قیس رازی به مناطقی مانند شیراز فرار نموده تا شاید بتوانند چراغ علم و ادب را روشن نگه دارند و از آفات و مصیبتهایی که دامن گیر علم، ادب و هنر شود جلوگیری کنند.

بعد از سقوط ابوسعید بهادر، آخرین ایلخان مغول، کما بیش به مسائل فرهنگی توجه می شد و در این دوره که به « دوره ی فترت » معروف است، سربداران خراسان، آل کرت و ... به تشویق دانشمندان و یا شعرا می پرداختند. در دوره ی تیموریان با توجه به مسافرت جهانگردانی مانند: ابن بطوطه و ملاقات تیمور با افرادی چون ابن خلدون، ابن عربشاه دمشقی و دیگران و تلاشهای جانشینان تیمور مانند: شاهرخ، بایسنقر، الغ بیگ و ... با توجه به امور علمی، هنری و ادبی بتدریج کتابهایی نوشته شد که برای تسهیل در مطالعه آنها را در دو بخش: منابع قدیم (کهن) و تحقیقات معاصرین مورد نقد و ارزیابی قرار می دهیم و با توجه به اینکه در هر پژوهش بهتر است که تأکید اصلی بر منابع کهن (قدیم) باشد، چون به دوره مورد نظر نزدیکترند و مؤلفان آنها یا در آن زمان می زیستند و یا در دوره ای نزدیک به آن زمان می زیستند. بنابراین برای یک پژوهش، ارزش و اهمیت زیادتری دارند. در این پژوهش از منابع کهن (قدیم) تا جایی که امکان داشت استفاده کردیم. و پس از آن به تحقیقات معاصرین مراجعه نمودیم. البته نکته ای که در مورد منابع کهن (قدیم) در این دوره وجود دارد، اینست که با توجه به اینکه موضوع پژوهش ما، نقش خاندان تیموری در احیای فرهنگی

ایران می باشد، منابع این دوره بیشتر جنبه ی ادبی - سیاسی دارند یعنی؛ بیشتر به حکومت و یا وزارت می پردازند و یا از لحاظ زبان و ادبیات فارسی اهمیت دارند و به مسائل فرهنگی کم و بیش پرداخته اند. این مسأله در مورد تمام منابع کهن (قدیم) این دوره صدق نمی کند، زیرا منابعی نیز وجود دارند که اکثراً به مسائل فرهنگی پرداخته اند مانند: مکارم الاخلاق «غیاث الدین خواندمیر» که در توصیف احوال و آثار امیر علیشیر نوایی است و یا مجالس النفائس علیشیر نوایی که اکثر مطالب آن در زمینه ی هنری و فرهنگی می باشد.

الف: منابع کهن (قدیم)

با توجه به اهمیت منابع کهن (قدیم) در یک پژوهش تاریخی سعی شده است که تأکید اصلی بر این منابع باشد و به جهت اینکه در آن دوره و یا نزدیک به آن تألیف شده اند از اهمیت خاصی برخوردارند. این منابع با توجه به اینکه تیمور در سرزمینی می زیسته که زبان بیشتر مردم آن ترکی بود و خود وی نیز ترک نژاد بود بنابراین بعضی از این منابع به زبان «ترکی جغتایی» نوشته شده که بعدها به فارسی ترجمه شده اند. منابعی مانند: حبیب السیر، مکارم الاخلاق، تذکره مجالس النفائس، ظفر نامه شامی، ظفر نامه شرف الدین علی یزدی و... از جمله منابع مهم آن دوره اند:

1- عجایب المقدور فی اخبار تیمور

این کتاب از «قاضی القضاة شهاب الدین ابو محمد احمد بن محمد بن عبدالله دمشقی» معروف به «ابن عربشاه» می باشد که در سال 840 هجری قمری به زبان عربی بسیار شیوایی نوشته شد. استفاده از صنایع مختلف ادبی بر ارزش این کتاب افزوده است.

وی با تسلطی که بر ادبیات عرب داشته، انواع جناسها، تشبیهات، کنایه ها، استعاره ها و... را به کار برده است. «ابن عربشاه» در سال 791 هجری قمری در شهر دمشق متولد شد. وی در زمان حمله ی تیمور به دمشق تقریباً 12 ساله بود و همراه با مادر و برادران خود به سمرقند کوچانیده شد و خود وی به این مسأله اشاره می کند ولی در مورد اینکه آیا کوچ آنها اجباری و یا اختیاری بوده، سخنی نمی گوید. به هر حال در محضر سید شریف جرجانی و ابن اثیر جزری¹ و دیگر بزرگان به تحصیل پرداخت و زبان و ادبیات فارسی، ترکی و مغولی را آموخت.

1- ابن اثیر جزری: شمس الدین ابوالخیر محمد بن محمد، متکلم و عالم بقرآت (751-833). مولد او در دمشق بود و برای فراگرفتن و تکمیل علوم خود دوبار به قاهره سفر کرد و در سال 798 ه.ق قاضی دمشق گردید. تیمور لنگک او را به سمرقند فرستاد و در آنجا صحبت میر سید شریف را دریافت و پس از فوت امیر تیمور به خراسان، هرات، یزد، اصفهان و شیراز سفر کرد. مدتی قاضی شیراز بود و سپس به بصره و از آنجا به مکه و مدینه رفت و مدتها در این دو

پس از اقامت در سمرقند در سال 811 هجری قمری به شهر « ختا » از بلاد ترکستان شرقی رفت و در آنجا به تحصیل علم حدیث پرداخت . وی پس از سفر به خوارزم به شهر ادرنه از بلاد عثمانی رفت و در آنجا مورد احترام سلطان محمد اول عثمانی قرار گرفت و سمت معلمی پسرش « سلطان مراد دوم » را به عهده داشت تا اینکه به حلب برگشت و در سال 825 هجری قمری از آنجا به دمشق رفت و در آنجا به تحصیل علم حدیث پرداخت .

کتاب « عحایب المقدور فی اخبار تیمور » در شرح جنگها ، خونریزیها ، جهانگیری ها ، اخلاق و صفات تیمور و در مواردی احوال فرزندان و نوادگان او تا سال 840 هجری قمری می باشد که دیدگاه مؤلف در این کتاب ، عادی و خالی از هر گونه عداوت و کینه می باشد ، در صورتیکه اروپاییان وی را فردی مغرض می خوانند . زیرا وی بر خلاف سایر نویسندگان که متظاهرانانه و از روی چاپلوسی ، افعال و کردار تیمور را نتیجه ی خواسته های خداوند می دانستند ، حوادث زمان و ماجراهای دوران تیمور را به طور عادی بیان کرده و آنها را آنطور که دیده بود توصیف کرده و هوش و ذکاوت وی را آنچنان که بوده ، ذکر کرده است . البته انتقادات زیادی هم بر تیمور وارد کرده و او را با عناوینی چون سرآمد تباہکاران دجال یاد کرده و یا در جایی دیگر علت اینکه به تیمور « تیمور لنگ » گفته می شود ، دزدی گوسفند را ذکر می کند که بر اثر آن چوپان بدنالش رفت و ضربه ای بر کتف و ران او فرود آورد . البته جانبداری اروپاییان از تیمور به موضوع محاصره شهر استانبول توسط ایلدرم با یزید عثمانی بر می گردد که در این کتاب نیز به موضوع محاصره اشاره شده . شهر استانبول شاهراه تجاری شرق و غرب بوده و در صورت سقوط ، این راه تجاری مسدود می شود و اروپاییان متضرر می شدند و حمله ی تیمور و شکست آنقره سبب شکستن محاصره شد و برای مدتی استانبول زیر بار عثمانیها بیرون آمد تا اینکه در سال 1453 میلادی توسط سلطان محمد فاتح سقوط کرد .

این کتاب بیشتر حوادث سیاسی و اجتماعی دوران تیمور را بازگو می کند و از مسائل فرهنگی آن دوره اطلاعات خوبی به خواننده ارائه نمی کند از این کتاب در فصل سوم پژوهش بویژه در بخش علما و هنرمندان استفاده شده است . این کتاب توسط محمد علی نجاتی ترجمه شد و در سال 1365 توسط انتشارات علمی و فرهنگی برای سومین بار در تهران به چاپ رسید .

شهر بود و باز به شیراز آمد و در همین شهر درگذشت . کتب و رسائل بسیار به نظم و نثر دارد . دهخدا، لغت نامه دهخدا، چاپ اول ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، 1373 ، ج 1 ، ص 266 .

2- تذکره مجالس النفايس

این کتاب از امیر علیشیر نوایی می باشد که اصل آن به ترکی جغتایی است که در سال 896 هجری قمری یعنی ؛ ده سال قبل از وفات نویسنده تألیف شده است .

کتاب « مجالس النفايس » فهرستی از فضلا ، شعرا و گویندگان قرن نهم هجریست که در حدود 385 تن از شعراء آن قرن را نام برده است ، با وجودیکه به صورت خلاصه به هر شخصیت پرداخته و از اکثر آنها بیش از یک بیت نقل نکرده ولی می توان گفت که مجموعه عظیمی از اطلاعات ادبی قرن نهم هجری قمری می باشد که در سراسر ممالک فارسی زبان ، گویندگانی توانا به آن پرداخته اند . از مطالب این کتاب بخوبی استنباط می شود که شعر فارسی در دوره تیموری تا چه پایه و مقامی بوده است و با آنکه در مدت پنجاه سال یعنی ؛ از زمان تیمور تا اواخر ایام سلطنت شاهرخ مملکت ایران دچار تحولات سیاسی بوده است . ولی به شعر و ادب توجه خاصی می شده و در نیمه دوم قرن نهم یعنی ؛ در زمان سلطنت بابر ، ابوسعید و سلطان حسین بایقرا در مشرق ایران و اوزون حسن و سلطان یعقوب آق قویونلو در مغرب ایران به جهت علاقه ی شدید آنها و توجه امرا و صدور ، علم و دانش در ایران شکوفا شده است .

تنوع شعری در این کتاب به طرز عجیبی نمودار است . این کتاب علاوه بر اهمیت ادبی که دارد از جنبه های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیز در خور توجه است و دربار با شکوه هرات با رونقی مضاعف به خاطر حضور امیر علیشیر نوایی و دیگر وزرا بر خود می بالد . علاوه بر اینکه در اصل این کتاب ، سیر تکاملی ادبیات ترکی جغتایی کاملاً مشخص است و در واقع امیر علی شیر نواحی در این کتاب به مقابله با زبان فارسی برمی آید .

از این کتاب در فصل های سوم و چهارم پژوهش خصوصاً در بحث توجه تیمور به عرفا و دانشمندان و معماری استفاده شده است یعنی ؛ از دوره ی تیمور تا مکتب هرات . انتشارات کتابفروشی منوچهری برای اولین بار در تهران به چاپ رسیده است .

3- ظفرنامه شامی

این کتاب از « شرف الدین نظام شامی » می باشد که از شاعران و فضیلا ی قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری قمریست و چون در محله شنب غازان می زیست به همین علت به « شنب غازانی » نیز معروف است . وی در بغداد می زیست و هنگامیکه امیر تیمور ، سلطان احمد جلایر را در سال 795 هجری قمری شکست داد و بغداد را تصرف کرد ، « نظام شامی » به خدمت وی پیوست و مورد توجه وی قرار گرفت و از ملازمان وی گردید .

وی در سال 804 هجری قمری به فرمان تیمور به تألیف کتاب خود پرداخت و تیمور نیز بسیاری از اوراق و اسناد رسمی دربار را در اختیار وی گذاشت .

کتاب « ظفرنامه شامی » بر خلاف « ظفرنامه شرف الدین علی یزدی » به زبانی ساده و انشایی روان نوشته شده که از عبارات متکلف بدور است . این کتاب هر چند مُجَمَل و مختصر است لیکن از لحاظ تاریخی و نیز از نظر لطافت بسیار با ارزش است .

علاوه بر این اهمیت این کتاب در این است که در قرن نهم و خصوصاً دوره ی تیموری که نشر فارسی راه زوال را در پیش گرفت و نویسندگان هیچ ترتیب و آدابی برای کار خود قائل نبودند ، شرف الدین نظام شامی ، کتاب خود را با کمال آراستگی ، شیوایی و روانی سخن تألیف کرد . چون مؤلف در سفر و حضر و جنگها و لشکر کشیها همراه تیمور بوده ، بنابراین حوادث را به چشم خویش دیده و وقایع را آنطور که بوده است به رشته تحریر در آورده است .

از این کتاب در فصل سوم پژوهش استفاده شده است . در جایی که مسأله ی تیمور و توجه او به علما و دانشمندان مطرح است . علاوه بر آنچه در مورد اهمیت آن گفته شد ، برای بررسی تاریخ سیاسی و اداری تیموریان بسیار مفید است و تحولات فرهنگی در آن کمتر دیده می شود و دلیل آن شاید این باشد که وی یک مورخ درباری بوده و بیشترین توجه خود را به خود تیمور و اخلاق و آداب و شرح لشکر کشیها معطوف نمود . بطوریکه مشخص است مطالب این کتاب تا سال 806 هجری قمری ادامه یافت و حوادث بعد از این سال و جزئیات وقایع آخرین سالهای تیمور در این کتاب نیامده است . برای تکمیل آن در سال 814 هجری قمری به فرمان شاهرخ ، « حافظ ابرو » بر این کتاب ذیلی نوشت و تاریخ آخرین سال زندگی تیمور را تا سال 807 هجری قمری تحریر کرد .

4- ظفرنامه شرف الدین علی یزدی

این کتاب همانطور که پیداست از « شرف الدین علی یزدی » می باشد که نسبت به « ظفر نامه شامی » بسیار مفصل نوشته شده و می توان گفت که اکثر جزئیات مربوط به دوره تیموریان در آن آمده است . بطوریکه اوضاع اجتماعی مردمان سرزمینهای مختلف را بطور مفصل و با ذکر جزئیات آورده است و برای مطالعه ی تاریخ تمدن ایران و دیگر ممالک شرق و غرب بسیار مهم است . در این کتاب ، شجاعت ، شهامت ، وطن پرستی و میهن دوستی ایرانیان آورده شده است .

داستانهای دلاوریهای مردم مناطق مختلف ایران از جمله : گیلان ، اصفهان ، خراسان ، خوزستان و ... آنچنان بیان شده که شاید از عهده ی هیچ مورخ دیگری بر نیاید .

گرچه در این دوران حکومت مرکزی مقتدری وجود نداشت و ملوک الطوائفی رواج داشت ولی ایرانیان به طور مداوم در مقابل هجوم بیگانگان ایستادگی نشان داده اند و چه بسا در مواردی گماشتگان

دولت را به قتل می رساندند. در این دوره جنگهای زیادی صورت گرفت و مناطق مختلفی از ایران غارت شده، با این همه شرف الدین علی یزدی علت این جنگها را منافع مادی ذکر می کند که تیمور با استفاده از عنوان « غزوات » به جنگ می پرداخت.

اگر از نظر تاریخی بخواهیم به این کتاب پردازیم، می بینیم که یکی از تواریخ مفصل و مهم ایران و جهان در سده ی هشتم و نهم هجری قمریست بطوریکه اوضاع مناطق مختلف جهان مانند: روسیه، ارمنستان، آسیای صغیر، بین النهرین، افغانستان، ماوراء النهر و... در آن آورده شده است.

این کتاب با نثری فنی نوشته شده است که شبیه به نثر « جهانگشای جوینی » می باشد. به نظر می رسد که انتقادی که بر این کتاب وارد است، این است که در مقابل شخصیت تیمور که فردی خونخوار و بیرحم بود، تواضع و فروتنی نشان می دهد. و از او با عنوان « صاحبقران » و دیگر عناوین استفاده می کند که برخلاف دیگر مورخین نمی توانیم بگوییم که « شرف الدین علی یزدی » به ملیت ایرانی علاقه ای نداشته، بلکه باید گفت که وی فردی درباری بوده و نمی توانست از تیمور بدگویی کند.

با توجه به اینکه اوضاع فرهنگی در این کتاب شرح داده نشده و ما بدنبال فرهنگ و اوضاع فرهنگی در این دوره می باشیم، با این حال از این کتاب در فصل سوم پژوهش در بحث علما و فضلا و هنرمندان استفاده شده است ولی به طوریکه گفتیم این کتاب برای مطالعه اوضاع اجتماعی، سیاسی و ادبی این دوره بسیار اهمیت دارد.

این اثر توسط موسسه مطبوعاتی امیر کبیر برای اولین بار در سال 1336 در تهران بوسیله محمد عباسی به چاپ رسیده است.

5- سفرنامه کلاویخو

این سفرنامه شرح سفر فردی اسپانیایی بنام « روی دوگنزالز کلاویخو » می باشد که در سال 806 هجری قمری در دوره ی تیمور به ایران سفر کرد وی فرستاده ی سفیر اسپانیا بود که به عنوان سفیر به همراه چند تن دیگر به ایران آمد و حاصل مشاهدات خود را تحت عنوان سفر نامه به رشته تحریر در آورده. این کتاب چندین بار به زبانهای مختلف ترجمه شده و در حال حاضر در ایران تحت عنوان « سفر نامه کلاویخو » موجود می باشد.

قبل از دوره ی صفویه جهانگردانی مانند: مارکوپولو و کلاویخو به ایران مسافرت کردند و سفرنامه هایی از خود بجای گذاشتند که اهمیت سفرنامه ها در این است که بسیاری از حقایق و ناگفته ها را برای آیندگان روشن می سازند، علاوه بر این پایه ای برای مقایسه بین تمدنها و فرهنگها در دوره های مختلف بشمار می روند.

کلاویخو در سفر خود به ایران از شمال غربی حرکت کرد و تا شمال شرقی ایران را طی کرد و در این سفر با نگاه دقیق و موشکافانه ای که داشت تقریباً تمام جزئیات را از بعد اداری، اجتماعی، سیاسی و حتی هنری نوشته است. در مورد آشنایی وی با زبان فارسی، مورخان عقیده دارند که با این زبان آشنایی داشته و این مساله به یادداشت های وی بر می گردد مثلاً از شهر « اند خود » نام می برد که این واژه، واژه ای فارسی است. با توجه به اینکه سفرنامه ها معمولاً به مسائل اداری و اوضاع سیاسی و اجتماعی می پردازند و ما در این پژوهش به دنبال تحولات فرهنگی می باشیم، می بینیم که در این کتاب به مسائل فرهنگی به صورت جزئی اشاره شده است که آنهم در قالب هنر نقاشی ذکر شده و کلاویخو از مشاهده ی سرپرده ی تیمور، از نقشهای آن یاد کرده است.

از این کتاب در فصل سوم پژوهش بویژه در بحث هنر استفاده شده است. این کتاب در سال 1344 هجری شمسی توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران برای اولین بار به چاپ رسیده است.

6- حبیب السیر

این کتاب از غیاث الدین بن همام الدین « خواندمیر » می باشد که یکی از تاریخنگاران مشهور زبان فارسی در پایان سده ی دهم هجری قمری بوده. مدتی در دستگاه « میرزا سلطان محمود » فرزند میرزا ابوسعید گورکانی وزارت داشت و در هرات می زیست، بعدها به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و بزودی مورد توجه امیر علیشیر نوایی قرار گرفت و پس از مرگ او به خدمت « بدیع الزمان میرزا » فرزند « سلطان حسین بایقرا » در آمد و پس از چندی به مقام وزارت رسید. وی نویسنده ای پرکار بود و نزدیک به چهل سال از عمر خود را وقف این کار کرد. آثار وی شامل مآثر الملوک، خلاصه الاخبار فی بیان احوال الاخیار و ... است.

« حبیب السیر » تاریخی است عمومی به زبان فارسی که حوادث تاریخی را از آغاز تاریخ بشر تا مرگ شاه اسماعیل صفوی در بر گرفته و می توان آنرا همان کتاب « خلاصه الاخبار » به صورت گسترده تر به شمار آورد. « خواندمیر » اولین بار کتاب حبیب السیر را به حمایت « غیاث الدین محمد » فرزند یوسف حسینی از رجال سرشناس هرات تدوین کرد و پس از مرگ وی به تشویق « کریم الدین حبیب الله ساوجی » حکمران کشوری هرات نگارش آنرا ادامه داد و بنام همان وزیر « حبیب السیر » نامیده و به وی تقدیم کرد.

این کتاب دارای یک مقدمه و سه جلد است که هر یک از جلدهای آن به نوبه خود به چهار بخش رده بندی شده است حبیب السیر علاوه بر اشارات ارزشمند تاریخی، شرح حال شاعران، دانشمندان، خطاطان، نقاشان، موسیقیدانان، سادات و مشایخ دوران فرمانروایی تیموریان را نیز در بر دارد. این

کتاب چندین بار در شبه قاره هند، ایران، اروپا، روسیه و... به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است و بخشهای مختلف آن از سوی خاورشناسان به زبانهای اروپایی ترجمه و چاپ شده است. از این کتاب در تمام فصول پژوهش استفاده شده است و توسط انتشارات کتابخانه خیام در سال 1333 ه. ش در تهران به چاپ رسیده است.

7- مکارم الاخلاق « شرح حال امیر علیشیر نوایی »

این کتاب از « غیاث الدین خواندمیر » می باشد. غیاث الدین خواند میر یکی از تاریخنگاران مشهور زبان فارسی در پایان سده دهم هجری قمری بوده که در روزگار فرمانروایی تیموریان هرات و هند می زیسته است.

خواند میر به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و بزودی مورد توجه و عنایت امیر علیشیر نوایی قرار گرفت و به یاری او نخستین اثر خود بنام « مآثر الملوک » را در سال 903 هجری قمری یا پیش از آن به نگارش آورد و بعدها دومین اثر خود بنام « خلاصه الاخبار » را تألیف کرد. وی پس از مرگ نوایی به خدمت « بدیع الزمان میرزا » فرزند سلطان حسین بایقرا در آمد و پس از جنگ به مقام وزارت رسید بدیع الزمان نسبت به وی احترام زیادی قائل بود و او را محرم اسرار خود می دانست.

« خواند میر » کتاب « مکارم الاخلاق » را درباره زندگانی و آثار مادی و معنوی امیر علیشیر نوایی تألیف کرد، زیرا در سایه ی حمایتهای آن وزیر دانش پرور مراحل ترقی و کمال را پیموده بود و بیشتر هدف وی در این کتاب قدردانی از امیر علی شیر نوایی و ماندگار ساختن نام نیک و بیان خدمات ارزشمند وی بوده است. وی در این کتاب بیشتر از مشاهدات خود که یا به خاطر سپرده و یا بر کاغذ نوشته، استفاده کرده و چون در سال 906 هجری قمری امیر علیشیر نوایی در گذشت، خواند میر با افزودن شرح حال خود، این اثر را به سلطان حسین بایقرا تقدیم کرد.

این کتاب شامل دو مقدمه، ده مقصد و خاتمه می باشد که نویسنده در مقدمه نخست پس از حمد و ستایش پروردگار درباره ی تألیف اثر و پیشکش کردن آن به سلطان حسین بایقرا سخن به میان آورده و در مقدمه ی دوم به ذکر مکارم اخلاق و ذکر ولادت امیر علیشیر پرداخته است.

می توان گفت، کتاب « مکارم الاخلاق » در واقع تاریخ اختصاصی درباره ی امیر علیشیر نوایی است و شکوه دربار هرات را در زمان سلطان حسین بایقرا نشان می دهد و تنها در این عهد کاربرد دارد و برای خواننده ای که بخواهد از وضعیت فرهنگی ایران در عهد تیمور، شاهرخ و دیگر افراد خاندان تیموری (به استثنای سلطان حسین بایقرا) اطلاعاتی کسب کند، کاربردی ندارد چون مقطع زمانی آن، اواخر دوره ی تیموری یعنی؛ دوره ی سلطان حسین بایقرا می باشد. از این کتاب در فصل چهارم

پژوهش استفاده شده است. این اثر در سال 1387 با مقدمه، تصحیح و تعلیق محمد اکبر عشیق برای اولین بار در تهران توسط مرکز نشر میراث مکتوب به چاپ رسیده است.

ب : تحقیقات معاصر (جدید)

به دلیل اهمیتی که مقوله ی « فرهنگ » در عصر تیموری داشته، معمولاً مطالب مورد نیاز برای این پژوهش در منابع کهن (قدیم) کمتر یافت می شود و منابع کهن (قدیم) بیشتر تاریخ سیاسی می باشد و موضوع پژوهش ما « تحولات فرهنگی » در دوره ی تیموری است بنابراین می بایست به تحقیقات معاصرین مراجعه بنماییم تا بتوانیم اطلاعات مورد نیاز را از آنها کسب کرده و تا حد امکان به تکمیل پژوهش پردازیم.

در زمینه ی تحقیقات معاصرین، مورخان زیادی بکار پرداختند و کتابهایی در این زمینه نوشته شد که از میان آنها می توان « هنر عهد تیموریان و متفرعات آن » از عبدالحی حبیبی، « تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ی تیموریان و ترکمانان » از دکتر حسین میر جعفری، تاریخ مغول « تیموریان » از لوسین بوات، « برآمدن و فرمانروایی تیمور » از ثباتریس فوربزمنز، « تاریخ تیموریان » پژوهش دانشگاه کمبریج، امپراطوری صخرانوردان از رنه گروسه و ... را نام برد.

تحقیقات معاصرین به علت اینکه بر گرفته از منابع کهن (قدیم) می باشند در اکثر موارد شباهتهای عینی با یکدیگر دارند بدین منظور که گاهی پیش می آید که در دو یا چند تحقیق معاصر، یک مطلب به صورت نقل و قول مستقیم و یا با اندکی تغییر در واژه ها آورده شده است.

از میان تحقیقات معاصرین به نقد و بررسی چند نمونه می پردازیم:

1- هنر عهد تیموریان و متفرعات آن

این کتاب تألیف « عبدالحی حبیبی » می باشد. وی از تاریخ نگاران معاصر افغانستان بود که به هر دو زبان فارسی و پشتو می نوشت و علاوه بر این، روزنامه نگاری توانا بود و منصبهایی چون ریاست انجمن تاریخ افغانستان و نماینده مجلس افغانستان در دوره هفتم را داشت. و دارای تألیفات مانند: خلیلی نامه، شاعر هیرمند هارون خان افغان و ... می باشد. این کتاب شامل پنج فصل است و در فصل اول به سابقه ی کتاب نویسی و کتاب آرایی در تمدن اسلامی پرداخته و سپس به سابقه ی تزئین، تذهیب و نقاشی در عصر اسلامی و سرانجام به دوره ی تیموری، مکتب هرات، کمال الدین بهزاد و دوره ی تکاملی و یا ترقی خط اشاره می نماید.

در فصل دوم به منابع ادبی تاریخ هنر تیموریان اشاره می کند و منابع ادبی که در قالب تاریخ هنر نوشته شده اند را معرفی می کند و به توضیح مختصری در مورد آنها می پردازد .
در فصل سوم به هنر کتابسازی و خط در ادبیات فارسی می پردازد که به طور مشروح و مفصل به این مطلب اشاره می کند و سپس در فصل چهارم ، آثار هنری که از دوره ی تیموریان (مکتب هرات) باقی مانده در قالب 2642 نسخه و اثر معرفی می کند و سرانجام در فصل آخر چند مجموعه هنری را معرفی می کند .

این کتاب به طور مفصل به هنرهای مختلف و متنوع نقاشی ، مصوری ، تزیین ، تذهیب و ... در دوره تیموریان می پردازد و مؤلف آن از منابع مختلفی چون « احوال و آثار خوش نویسان » دکتر مهدی بیانی و مقالات و مجلات معتبر علمی استفاده کرده است .

نثر این کتاب ساده و روان است بطوریکه هر خواننده ای در هر زمینه ای می تواند از آن بهره گیرد و بطوریکه از نامش پیداست ، در زمینه هنر و فرهنگ دوره تیموری اطلاعات خوبی را ارائه می دهد .
از این کتاب در فصل های سوم و چهارم پژوهش یعنی ؛ در بحث کتاب نگاری بایسنقر ، دانشمندان و هنرمندان در عصر سلطان حسین بایقرا و مکتب هرات استفاده شده است . این کتاب در سال 1355 توسط انتشارات بنیاد فرهنگ ایران در تهران به چاپ رسیده است .

2- تاریخ تحولات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ی تیموریان و ترکمانان

نویسنده کتاب حسین میر جعفری می باشد که همانطور که از نام کتاب پیداست به بررسی تحولات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ی تیموریان و ترکمانان می پردازد و این تحولات را به نحو مطلوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد .

این کتاب شامل دو بخش است که بخش اول مربوط به تیموریان است که از به قدرت رسیدن تیمور تا ساختارهای اداری و نظام کشور داری عهد تیموریان ادامه می یابد و بخش دوم شامل ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو می باشد .

در این کتاب اوضاع فرهنگی ایران در دوره ی تیموریان بخوبی تشریح شده است . درست است که بطور خلاصه آورده شده ، لیکن اطلاعات خوبی در این زمینه ارائه می دهد . میر جعفری در این کتاب ، هنرمندی و هنر دوستی خاندان تیموری و حتی علاقه ی خود تیمور به هنرمندان ، صنعتگران و ... را به عنوان عامل مهمی در این شکوفایی و به قول اروپاییان « رنسانس هنری » ذکر می کند و از دربار سلطان حسین بایقرا و بخصوص وزیر هنرمندش امیر علیشیر نوایی به نحو قابل توجهی سخن می گوید و می توان گفت که اگر بخواهیم تحقیقات معاصرین را در مقوله ی فرهنگی ارزیابی کنیم به

این نکته می‌رسیم که این کتاب جزء کتابهای پر اهمیت معاصر در زمینه‌ی تیموریان می‌باشد که با دیدگاهی عالمانه تألیف شده است. در این کتاب هنرهای مختلفی مانند: کتابسازی و کتاب آرایشی، نقاشی، موسیقی، خطاطی و علوم‌ی مانند: ادبیات، تاریخ، جغرافیا، نجوم و... ذکر شده، علاوه بر این از معماری این دوره نیز مطالبی آورده شده است.

نثر این کتاب ساده و روان است و برای همگان قابل فهم می‌باشد و کلمات دشوار در آن وجود ندارد و از لحاظ شیوه‌ی نگارش اشکالی در آن دیده نمی‌شود و قواعد و نگارشی در آن رعایت شده است. به نظر بنده تنها انتقادی که بر این کتاب وارد است، این است که مطالب را به طور خلاصه آورده است.

از این کتاب در فصلهای دوم، سوم و چهارم پژوهش استفاده شده خصوصاً در فصل سوم که بحث هنر و فرهنگ تیموریان مطرح است. این کتاب در سال 1381 برای سومین بار توسط انتشارات دانشگاه اصفهان به چاپ رسیده است.

3- تاریخ مغول « تیموریان » لوسین بوات

یکی از منابع مهم در زمینه تاریخ تیموریان است و شامل سه بخش است که بخش اول حکمرانان ایران همزمان با دولت تیموریان و یا قبل از آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل دوم سلسله‌ی تیموری را از مرگ تیمور تا مرگ شاهرخ و فصل سوم سلسله پادشاهان مغولان کبیر در هند که از نوادگان تیمور می‌باشند را مورد بررسی قرار می‌دهد.

لوسین بوات ابتدا به شجره نامه تیمور می‌پردازد و سپس به دولتها و حکومتهایی که مقارن با فرمانروایی و یا قدرت یا بی تیمور در مناطق مختلف دنیا وجود داشته اند، طرز اداره‌ی حکومت تیموریان و زندگی علمی تیمور می‌پردازد و مانند دیگر مورخان از سمرقند پایتخت تیمور به عنوان مرکز علمی، ادبی و هنری یاد می‌کند و علاوه بر اینکه به جانشینان تیمور مانند شاهرخ، الغ بیگ، بایسنقر و... می‌پردازد، اوج پیشرفت فرهنگی در دوره‌ی سلطان حسین بایقرا به زیبایی نشان می‌دهد. اشکالی که در این کتاب مشاهده می‌شود این است که مطالب را به صورت کلی و مبهم بررسی می‌کند و از ذکر جزئیات خودداری می‌کند در صورتیکه می‌بایستی به بعضی از مسائل جزئی نیز اشاره می‌شد، زیرا آوردن بعضی از جزئیات در این کتاب، فهم آن را آسان تر می‌کند.

مسائل فرهنگی در این کتاب به طور خلاصه آورده شده بطوریکه فقط اشارات کلی به آنها شده است و به نقش تیموریان در « احیای فرهنگی » که بسیار زیاد بوده، فقط در قالب چند صفحه پرداخته است.